

یادداشت

رمزدارایی‌ها در خط باریک میان تنظیم‌گری و انحصار

حمید قهوه‌جیان*، عباس آشتیانی**

تحولات شبانان اقتصاد دیجیتال، نظام‌های حقوقی را در برابر پرسشی بنیادین قرار داده است: چگونه می‌توان هم‌زمان از نوآوری حمایت کرد، حقوق شهروندان و کسب‌وکارها را پاس داشت و از مخاطرات اقتصادی و امنیتی پیشگیری کرد؟ پاسخ به این پرسش، نه در انکار فناوری‌های نوین است و نه در رگولاتوری‌های شتاب‌زده و انحصارگرایانه، بلکه در طراحی حکمرانی هوشمند، مشارکتی و مبتنی بر نص قانون نهفته است. مناقشه اخیر بر سر صلاحیت تنظیم‌گری حوزه رمزدارایی‌ها در ایران، مصداق روشنی از همین چالش است؛ چالشی که اگر بدرستی مدیریت نشود، می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی، عقب‌ماندگی اقتصاد دیجیتال و حتی نقض اصول بنیادین حقوق عمومی منجر شود.

قانون برنامه هفتم پیشرفت، برای نخستین‌بار با صراحت، اقتصاد رقومی را به عنوان یکی از پیشران‌های توسعه ملی به رسمیت شناخته است. تعیین سهم حداقل ۱۰ درصدی اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی در ماده (۶۴) و تصریح بند (ج) ماده (۶۶) بر «پن‌دیرش حقوقی و اقتصادی دارایی‌های رقومی» و «ایجاد ابزارهای مالی جدید، باینارگر اراده قانون‌گذار بر عبور از نگاه سنتی به اقتصاد و حرکت به‌سوی آینده است. ایسن رویکرد، به‌طور طبیعی، اقتضات حقوقی و نهادی خاص خود را می‌طلبد و نمی‌توان آن را با تفسیرهای مضیق یا توسعه‌طلبانه از قوانین پیشین، به حاشیه راند. در این میان، نقش وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به‌عنوان متولیان زیرساخت‌های اقتصادی و دیجیتال، سیاست‌گذاری کلان تحول دیجیتال و از ارکان اصلی حکمرانی اقتصاد دیجیتال، جایگاهی محوری و تعیین‌کننده دارد. این جایگاه، نه صرفاً یک برداشت اداری یا تفسیری موسع از صلاحیت‌ها، بلکه مبتنی بر اسناد بالادستی، قوانین موضوعه و تصمیمات رسمی نظام است. تصویب‌نامه تشکیل کارگروه ویژه اقتصاد رقومی به ریاست وزارت ارتباطات و مأموریت صریح رئیس‌جمهور محترم به این وزارتخانه برای طراحی و استقرار سازوکار نظام تنظیم‌گری و پایش تحقق برنامه هفتم توسعه، به‌روشنی نشان می‌دهد که رویکرد دولت و قانون‌گذار، عبور از تنظیم‌گری جزیره‌ای و بخشی و حرکت به‌سوی تنظیم‌گری هوشمند، هماهنگ میان‌بخشی و غیرانحصاری در حوزه‌های نوپدید اقتصاد دیجیتال است؛ رویکردی که بدون نقش آفرینی فعال وزارت اقتصاد در هم‌راستامزای سیاست‌های مالی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، امکان تحقق عملی نخواهد داشت.

افزون بر این، مطالعات تطبیقی و تجربه‌های جهانی نیز می‌د آن است که در اغلب کشورها، بانک‌های مرکزی به‌مورد انحصاری و فراگیر وارد تنظیم‌گری کلیت حوزه رمزدارایی‌ها نشده‌اند. این رویکرد، نه ناشی از ملاحظات صرفاً نهادی یا سیاسی، بلکه برخاسته از ماهیت ناهمگن، چندلایه و فرابخشی رمزدارایی‌هاست؛ حوزه‌ای که هم‌زمان واجد ابعاد پولی، سرمایه‌ای، فناوریانه، حقوقی، مالیاتی و حتی فرهنگی است. تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد تسری صلاحیت نهادی یا مأموریت اصلی حفظ ثبات پولی به تمامی این ابعاد، نه‌تنها به افزایش کارآمدی تنظیم‌گری منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند ریسک‌های مضاعف نهادی، مسئولیتی و اعتباری را متوجه بانک مرکزی کند. از همین رو، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تنظیم‌گری رمزدارایی‌ها از طریق مدل‌های چندنهادی، نهادهای هماهنگ‌کننده فرابخشی یا تقسیم صلاحیت میان رگولاتورهای پولی، مالی، بازار سرمایه، فناوری و حمایت از مصرف‌کننده انجام می‌شود و حتی در کشورهایی که بانک مرکزی نقش فعالی دارد، این نقش عموماً به رم‌پول‌ها، استیل‌کوین‌های پرداخت‌محور و آثار مستقیم آنها بر نظام پرداخت و سیاست پولی محدود است، نه کل اکوسیستم رمزدارایی، این الگوها به‌روشنی نشان می‌دهد که برهم‌ز یا تمرکز انحصاری صلاحیت، نه نشانه ضعف حکمرانی، بلکه لازمه تنظیم‌گری مؤثر و مبتنی بر ریسک در حوزه فناوری‌های نوظهور است.

با این حال، رویکرد بانک مرکزی در قبال کلیت حوزه رمزدارایی‌ها، پرسش‌های جدی حقوقی را برمی‌انگیزد. استاندارد این نهاد به مواد قانون بانک مرکزی و تفسیر موسع از مفاهیمی چون «نظام‌های پرداخت»، «فناوری‌های نوین مالی مرتبط با ابزار پرداخت» و «رم‌پول»، عملاً به ادعای صلاحیت انحصاری بر تمامی مصداق ررم‌زار و حتی رمزدارایی‌ها انجامیده است. این در حالی است که در حقوق عمومی، اصل بر «عدم صلاحیت» است و هر مقام اداری فقط در حدود نص صریح قانون مجاز به اعمال قدرت عمومی است. توسعه صلاحیت از طریق تفسیر موسع، نه‌تنها مغایر اصل قانونی‌بودن اعمال دولت است، بلکه می‌تواند به تمرکز ناموجه قدرت و نقض بند (۶) اصل سوم قانون اساسی، یعنی منع انحصارطلبی، بینجامد.

تمایز مفهومی میان «رم‌پول»، «رم‌زار» و «رم‌دارایی» در این مناقشه نقشی کلیدی دارد. قانون بانک مرکزی و نظام‌نامه رم‌زارها، رم‌پول را به عنوان نوعی خاص از «پول» تعریف کرده‌اند؛ پولی که کارکرد ابزار پرداخت، ابراء قانونی و پن‌دیرش عمومی دارد. در مقابل، بخش عمده رمزدارایی‌های مورد استفاده کاربران ایرانی -از توکن‌های سرمایه‌ای و کاربردی تا NFTها- نه واجد کارکرد پولی‌اند و نه در معاملات به عنوان ابزار پرداخت یگانه و عمومی به کار می‌روند. همین واقعیت، در نظرات رسمی معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، مرکز ملی مجازی و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نکته قابل تأمل آن است که معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، اختلافات موجود را به‌درستی به دودسته تفکیک کرده است: مسائلی که در چارچوب صلاحیت‌های فعلی بانک مرکزی و با اقدامات اجرایی قابل حل‌اند و مسائلی که نیازمند تصمیمات سیاستی جدید و اصلاحات تقنینی هستند. تنظیم‌گری رم‌پول، به معنای دقیق کلمه، در دسته نخست قرار می‌گیرد؛ اما تسری صلاحیت بانک مرکزی به کلیت رم‌دارایی‌ها، آشکارا در رزمه دسته دوم است و بدون ورود مجلس شورای اسلامی و اصلاح قانون، فاقد رامنش احقاقی مستحکم خواهد بود.

ارجاع بانک مرکزی به تعریف «رم‌زار» در قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی نیز از منظر اصول تفسیر قوانین محل اشکال است. تعریف یک مفهوم در قانون مالیاتی، آن هم با هدف تعیین تکلیف مالیاتی، نمی‌تواند به‌طور خودکار مبنای توسعه صلاحیت‌های تنظیم‌گری در حوزه پولی و بانکی قرار گیرد. تعمیم آثار قوانین از قلمرو خاص خود، بدون تصریح قانون‌گذار، نوعی قانون‌گذاری خردنه است که با اصل تفکیک قوا و امنیت حقوقی فعالان اقتصادی سازگار نیست.

از منظر حکمرانی، تمرکز انحصاری تنظیم‌گری رمزدارایی‌ها در یک نهاد بخشی، آن هم نهادهای که مأموریت اصلی‌اش حفظ ثبات پولی و مالی است، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای به‌همراه داشته باشد؛ از جمله خروج سرمایه، مهاجرت نخبگان و رشد بازارهای غیررسمی. این پیامدها، دقیقاً خلاف اهداف تصریح‌شده قانون‌گذار در برنامه هفتم پیشرفت است که بر خلق ارزش، نوآوری مالی و پن‌دیرش دارایی‌های رقومی تأکید دارد.

در این چارچوب، مدل‌های تنظیم‌گری هوشمند و ساختارهای مأموریت‌محور، با مشارکت تنظیم‌گران بخشی، بخش خصوصی و نهادهای تخصصی، می‌توانند مسیر معقول‌تری برای حکمرانی بر این حوزه فراهم کنند. مأموریت اخیر رئیس‌جمهور محترم به وزارت

ارتباطات برای طراحی نظام تنظیم‌گری و پایش تحقق برنامه هفتم، نشانه‌ای روشن از حرکت دولت به‌سوی عبور از رگولاتوری‌های جزیره‌ای و تقویت حکمرانی شبکه‌کل است.

جمع‌بندی آنچه آینده اقتصاد دیجیتال ایران در گروی تصمیماتی است که امروز درباره رمزدارایی‌ها اتخاذ می‌شود. اگر این تصمیمات بر پایه نص قانون، اصول حقوق عمومی، مشارکت ذی‌نفعان و نگاه آینده‌نگر باشد، می‌توان به تحقق اهداف برنامه هفتم امید داشت؛ اما اگر مسیر انحصار، تفسیر موسع از صلاحیت‌ها و بی‌اعتنایی به اسناد بالادستی دنبال شود، فرصتی تاریخی برای جهش اقتصاد ملی از دست خواهد رفت. انتخاب میان این دو مسیر، آزمونی جدی برای عقلانیت نهادی و کیفیت حکمرانی حقوقی در جمهوری اسلامی ایران است.

• وکیل دادگستری و مشاور رگولاتوری

• رئیس کمیسیون بلاکچین سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور

شرق: شوک قیمت دلار در فاصله دقیقاً سه سال دو رئیس بانک مرکزی را تعویض کرد. در هفتم دی ۱۴۰۱، محمدرضا فرزین شبانه جایگزین علی صالح‌آبادی در ساختمان شیشه‌ای میرداماد شد. قیمت دلار در فاصله مدیریت صالح‌آبادی بر بانک مرکزی حدود دو برابر شد و حالا دوباره در هشتم دی ۱۴۰۴ ماجرأ عیناً تکرار شده است و بهای دلار از حدود ۴۳ هزار تومان زمان شروع سکان‌داری فرزین بر بانک مرکزی به حدود ۱۴۰ هزار تومان رسیده است. شوک دلار این بار اعتراض بازاریاران را به دنبال داشته و ترکش آن به لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ هم خورده است و کمیسیون تلفیق مجلس در اتفاقی کم‌سابقه کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ را رد کرد.

رئیس بانک مرکزی عوض شد

دیروز عصر در یک برنامه از پیش تعیین نشده، سایات دولت اعلام کرد جلسه هماهنگی تیم اقتصادی دولت درباره سیاست‌های ارزی، تجاری و معیشتی مردم در بانک مرکزی برگزار شده است. این پایگاه اطلاع‌رسانی خبر داد که نشست گفته‌شده، «در راستای تأکیدات رئیس‌جمهور و جلسات اخیر هماهنگی تیم اقتصادی دولت درخصوص سیاست‌های ارزی، تجاری و معیشتی مردم است و محمد اتابک وزیر صمت، علی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی و... در این جلسه حضور دارند».

پیش از پایان این جلسه اما خبرهایی مبنی بر استعفاي محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی شنیده شد. خبری که تا پیش از این به صورت شایعه دهان به دهان می‌چرخید اما مدام تکذیب می‌شد. بااین حال، این بار مهدی طباطبائی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری، در شبکه اجتماعی ایکس از استعفاي فرزین نوشت و دقایقی بعد خبر داد: «به نظر و تصمیم رئیس‌جمهوری، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی خواهد شد».

این اتفاق در شرایطی افتاد که محمدرضا فرزین خود وارث اتفاقی مشابه بود و شبانه جایگزین علی صالح‌آبادی، رئیس پیشین بانک مرکزی شد؛ آن‌هم درست زمانی که شوک دلار دو بار خرساز شده بود. زمانی که صالح‌آبادی در ساختمان شیشه‌ای میرداماد مستقر شد، قیمت دلار در بازار آزاد برابر با ۲۸هزار و ۸۰ تومان بود و نرخ یورو نیز در بازار آزاد ۳۲هزار و ۴۹۵ تومان بود. همچنین قیمت سکه تمام‌بهار طرح جدید ۱۱میلیون و ۷۷۰ هزار تومان و سکه تمام‌بهار طرح قدیم ۱۱میلیون و ۵۵۰ هزار تومان و فروش می‌شد. اما یک شوک ناگهانی قیمت دلار و به دنبال آن، طلا سبب شد که او از کرسی ریاست بانک مرکزی پس زده شود. در روزی که او از بانک مرکزی خداحافظی کرد، یعنی هفتم دی‌ماه ۱۴۰۱ بهای هر قطعه اسکناس دلار در بازار آزاد ۴۳هزار و ۱۲۰ تومان شده بود و بهای یورو نیز به ۴۶هزار و صد تومان می‌رسید. همچنین بهای هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید در روز پایانی فعالیت صالح‌آبادی برابر با ۱۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. قیمت سکه طرح قدیم نیز به ۲ میلیون و ۷۰ هزار تومان رسید.

حالا اما درست در حوالی همان تاریخ، یعنی هشتم دی ۱۴۰۴ ماجرا تکرار شده است. محمدرضا فرزین که دلار را با نرخ ۴۳ هزار تومان تحویل گرفته بود، در شرایطی از بانک مرکزی می‌رود که بهای دلار از ۱۴۰ هزار تومان عبور کرده است.

بااین حال بسیاری از اقتصاددانان معتقدند تقلیل مسئله سقوط ارزش پول ملی به بانک مرکزی نادرست است و این مسئله ریشه ساختاری دارد. لطفعلی بخشی، اقتصاددان، در واکنش به تغییر رئیس بانک مرکزی در پس ریزش شدید ارزش ریال، به «شرق» می‌گوید: «واقعیت این است که وضعیتی که اکنون پیش آمده، در دست رئیس بانک مرکزی نبوده است. این وضعیت نتیجه سیاست‌هایی است که سال‌هاست در کشور اجرا می‌شود. این سیاست‌های کلی کشور هستند که تعیین‌کننده‌اند و حضور آقای فرزین یا امثال ایشان تفاوتی ایجاد نمی‌کند. حضور آقای همتی صرفاً برای تغییر چهره نزد مردم است؛ وگرنه ایشان نه اختیارات بیشتری دارند و نه امکانات بیشتری. بنابراین در نتیجه وضعیت اقتصادی هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند».

او می‌افزاید: «به‌جای این‌ کار بهتر بود به سیاست‌های اتخاذشده‌ای که امروز را ساخته نگاه می‌انداختیم. مشکل در تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی است که اتخاذ شده؛ ما یقه همه دنیا را گرفتیم و آنها هم یقه ما را گرفتند. نتیجه این شده که مسیره‌ای ورود ارز را به کشور سخت‌تر کرده‌اند. درحالی‌که نیازهای کشور سرر جای خود است، عرضه کم و تقاضا سر جای خود مانده است؛ بنابراین طبیعتاً قیمت‌ها افزایش می‌یابند. حضور آقای همتی یا آقای فرزین با هر شخص دیگری هم تفاوتی ایجاد نمی‌کند. این کل سیاست‌هاست که نیازمند اصلاح و جایگزینی است».

او در پاسخ به اینکه چه مقدار از افزایش نرخ دلار در ماه‌های اخیر را ناشی از سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی می‌داند، توضیح می‌دهد: بانک مرکزی ما مستقل نیست که بخواهد رویکردی را دنبال کند. به گفته بخشی، دولت کسری بودجه عظیمی دارد و چون بانک مرکزی مستقل نیست، وقتی دولت دستور می‌دهد بانک مرکزی پول چاپ کند، باید این کار انجام شود. مثل کارمندی که وظیفه‌اش انجام دستورات بالادستی‌اش است. او ادامه می‌دهد: «این سیستم با بانک مرکزی آمریکا متفاوت است که مطلقاً تحت اختیار رئیس‌جمهور نیست. بنابراین، بانک مرکزی را باید بخشی از بدنه دولت و مطیع آن دانست، نه مختار و مسئول سیاست‌های خودش. برای مثال، دولت اکنون باید حقوق کارمندان را پرداخت کند، اگر پول کافی نباشد که نیست، مجبور است پول چاپ کند. در این وضع هم تفاوتی ایجاد نمی‌شود، مگر آنکه سیاست‌های کلی کشور تغییر کند. در آن صورت تازه می‌توان دید رئیس بعدی بانک مرکزی تا چه حد با این سیاست‌های جدید خارجی هماهنگ است».

اما چهره‌ای مانند همتی چه قبل از رئیس بانک مرکزی بوده و مردم از عملکردش پشی ریزنه‌ای دارند، در شرایط فعلی چه واکنش‌هایی در اقتصاد به دنبال می‌آورد؟ بخشی به این سؤال این‌گونه پاسخ می‌دهد: «اگر ایشان اختیارات داشته باشند و منابع بانک مرکزی را محدود کنند، شانس موفقیت وجود دارد، اما با توجه به کسری بودجه و نیازهای دولت، گمان نمی‌کنم چنین اختیاری داشته باشند و بتوانند کاری کنند. علاوه بر این، مجلس با لایحه دولت برای افزایش ۲۰ درصدی حقوق مخالفت خواهد کرد و ممکن است افزایش بیشتری بخواهد؛ بنابراین بانک مرکزی مجبور است پول بیشتری چاپ کند و این یعنی تورم بیشتر و کاهش ارزش مجدد ریال. این یک روند قابل پیش‌بینی است و فرقی ندارد چه کسی رئیس بانک مرکزی باشد».

اعتراض به بی‌ثباتی ارز

این اعتراضات از محدوده سبزه‌میدان و چهارراه استانبول با سردادن شعارهایی درباره وضعیت اقتصادی و نرخ ارز آغاز شد. فروشنده‌گان دو مجتمع تجاری چارسو و علاءالدین از حوالی ساعت ۱۶ روز یکشنبه، هفتم دی‌ماه، در اعتراض به وضعیت افزایش نرخ ریجستری موبایل و افزایش صعودی نرخ ارز، کرکره مغازه‌های خود را پایین کشیدند.

یکی از فروشنده‌هایی که در تجمع کسبه بازارهای موبایل حاضر بوده، در گفت‌وگو با رومیت گفته: «ما دو روز است که اصلاً هیچ جنسی نمی‌فروشیم، چراکه از یک طرف نرخ ریجستری را افزایش داده‌اند و از طرف دیگر با افزایش نرخ دلار و کاهش قدرت خرید مردم نمی‌دانیم کالایی که امروز می‌فروشیم، دوباره می‌توانیم جایگزین کنیم یا نه». گزارش کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز صحت این گفته‌ها را تأیید می‌کند.

روز دوشنبه با تداوم افزایش نرخ ارز، اعتراض بازاریاران تهران نیز ادامه یافت. اعتراض‌ها از حدود ساعت ۱۱:۳۰ روز دوشنبه آغاز شد و تا ساعات بعد ادامه داشت. در این مدت، در امتداد خیابان جمهوری، بخشی از مغازه‌داران با پایین‌کشیدن کرکره‌ها، فعالیت خود را متوقف کردند. در مقابل ساختمان علاءالدین شماره ۲، واقع در نیش خیابان شیخ هادی، جمعی از کسبه با بستن واحدهای صنفی خود پایاسل حضور پیدا کرده بودند.

هرچند برخی از مغازه‌های داخل پاساژ که عمدتاً در حوزه تعمیرات موبایل فعالیت دارند، هم‌زمان باز بود و به کار خود ادامه می‌دادند.

خبرگزاری ایسنا هم با تأیید این موضوع در گزارش خود آورده: «بازار موبایل تهران در محدوده پل حافظ، پاساژ علاءالدین و مجتمع چارسو، پیش از ظهر امروز شاهد تجمع و اعتراض جمعی از کاسبان و مغازه‌داران در اعتراض به نوسانات قیمت ارز و طلا در روزهای اخیر بود». این خبرگزاری در همین زمینه با مهدی اسدی، رئیس انجمن موبایل، گفت‌وگو کرده و با اشاره به

ریشه اصلی مشکلات این بازار تأکید کرده که مسئله اساسی صنف موبایل صرفاً نرخ ارز نیست، بلکه «فقدان‌شدن مسیر تثبیت سفارش و واردات» مهم‌ترین چالش فعالان این حوزه به شمار می‌رود و

در صورت رفع این مانع، شرایط بازار می‌تواند به طور محسوسی بهبود پیدا کند.
با این حال فعالان بازار موبایل همچنین تأکید دارند تا زمانی که روند پرنوسان نرخ ارز مهار نشود و ثبات نسبی به بازار بازنگردد، گمرانی‌ها درباره آینده این صنف، ادامه رکود و کاهش بیش‌ازپیش قدرت خرید مردم همچنان پابرجا خواهد ماند.

شوک قیمت اسکناس آمریکایی، رئیس بانک مرکزی را عوض کرد

بازی در ساختمان شیشه‌ای

از نگاه بخشی، در شرایط امروزی و با اطلاعاتی که از وضع اقتصادی دولت و کشور وجود دارد، دیگر نمی‌توان مانند گذشته مسکنی موقتی به بازار ارز معرفی کرد. او می‌گوید: «من برای این وضع مسکنی نمی‌شناسم جز یک اعلامیه جهانی که به واسطه آن دشمنی‌ها با ما کاهش یابد و مردم ببینند چشم‌انداز آینده بدون جنگ است و سیاست‌ها تغییر کرده‌اند. این تنها چیزی است که می‌تواند تا حدی نقش مسکن موقت را ایفا کند. باید به مردم وعده داده شود که سیاست‌های کلی کشور در داخل و خارج در حال تغییر است. فقط اگر سیاست‌ها تغییر کند، طبیعتاً چشم‌انداز کشور متفاوت خواهد بود، در غیر این صورت با تغییر افراد هیچ تفاوتی در شرایط حاصل نمی‌شود».

احمد حاتم‌ی‌زد، کارشناس ارشد بانکی نیز پیش از این به «شرق» گفته بود: «تعویض رؤسای بانک مرکزی در زمان شوک‌های ارزی سابقه‌دار است، اما این موضوع فقط در کوتاه‌مدت جواب داده است و رئیس جدید در بدو ورود با تزریق ذخایر ارزی به بازار، به صورت کوتاه‌مدت قیمت‌ها را کاهش می‌دهد، اما در درازمدت دوباره نرخ ارز درمی‌رود و شوک جدید به بازار وارد می‌شود؛ اینکه نشد راه‌حل».

همچنین بهالالدین حسینی‌هاشمی، کارشناس اقتصاد کلان، پیش از این به «شرق» گفته بود: جهش نرخ ارز را نمی‌توان به‌طور مشخص به رئیس فعلی بانک مرکزی یا دولت کنونی نسبت داد؛ زیرا ریشه این وضعیت به سیاست‌های پولی و اقتصادی نادرست حدود پنج دهه گذشته بازمی‌گردد. به گفته او، سیاست‌هایی که با شعارهایی مانند حمایت از صنعت، اقشار آسیب‌پذیر و عدالت اجرا شده‌اند، در عمل به چندرنخی‌شدن ارز، سرکوب مالی، نرخ‌های دستوری بهره و سود بانکی منجر شده و نتیجه آن مشکلات امروز بازار ارز است. او تأکید می‌کند دست رئیس کل بانک مرکزی در شرایط فعلی عملاً بسته است؛ چراکه کشور تحت تحریم‌های شدید، منازعات منطقه‌ای و محدودیت دسترسی به منابع ارزی قرار دارد و تصمیم‌های کلان خارج از اختیارات بانک مرکزی است. بااین حال، حسینی‌هاشمی بانک مرکزی را تا حدی به دلیل ناتوانی در کنترل رشد نقدینگی (سالانه ۳۰ تا ۴۰ درصد) مقصر می‌داند؛ چراکه در نبود رشد اقتصادی، این نقدینگی مستقیماً به تورم و افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. به گفته او، تأمین مالی دولت از سوی بانک مرکزی، ناترازی بانک‌ها، اضافه‌برداشت‌ها و ضعف نظارت، از جمله مواردی است که مسئولیت آن متوجه بانک مرکزی است. با وجود این، در نگاه کلی، پارامترهای کلان و ساختاری اقتصاد را عامل اصلی بی‌ثباتی می‌داند.

حالا اما در پی افزایش لجام‌گسیخته قیمت دلار و گذشتن سریع آن از کانال ۱۴۰ هزار تومان از روز یکشنبه، بسیاری از کسبه بازار و مراکز خرید تهران، معترضانة مغازه‌های خود را تعطیل کرده‌اند. به گفته آنها، با افزایش لحظه به لحظه‌ای قیمت دلار، نمی‌توانند روی فروش و جایگزینی کالاهای خود حساب باز کنند و چاره‌ای جز توقف کسب‌وکارشان تا تثبیت ولو نسبی قیمت دلار ندارند. در چنین وضعی، طبیعتاً فعالان کالاهای بادوام رذوتر از دیگران دچار اختلال می‌شوند. کسی که بخیال، موبایل، خودرو، مصالح یا ماشین‌آلات می‌فروشد، نمی‌داند آیا می‌تواند کالای فروخته‌شده را جایگزین کند یا خیر. پس فروش متوقف می‌شود، اما نه از سر طمع، بلکه از سر ناتوانی در تصمیم‌گیری عقلانی و جلوگیری از زیان شدید.

به دلیل گرانی طلا و کاهش شدید قدرت خرید مردم در مدت اخیر است.

عبدعبدئربزیر: زبان اعتراض، زبان اقتصادی است، نه سیاسی

حسین عبدعزیززیر، اقتصاددان، در یادداشتی با اشاره به وضعیت فعلی تأکید کرده که در این مرحله، اعتراض‌ها اگر شکل بگیرند، ماهیتی صنفی و فنی دارند. مطالبه‌ها حول نرخ ارز واقعی، ثبات مقررات، با امکان تعدیل قراردادهای رزمینه را برای اعتراض، زبان کاسبی است، نه سیاست و خواسته‌ها بیشتر ناظر به امکان ادامه زندگی اقتصادی‌اند. او با اشاره به تجربه آلمان در دوره وایمار نوشته که در آن دوره نیز که نخستین واکنش‌ها از سوی مغازه‌داران و نانوايان بود؛ آنها نمی‌دانستند چه زمانی قیمت بگیرند و چگونه بفروشند. هنوز شعار سیاسی مطرح نبود، اما فرسایش تدریجی ایجاد اعتماد به قواعد اقتصادی، رزمینه را برای رادیکال‌شدن فضا فراهم کرد. به باور او در آرتانزین نیز همین الگو تکرار شده؛ یعنی ابتدا بر چسب قیمت‌ها برداشته شد، قرارداده‌ها کوتاه‌مدت شدند و فروشندگان از فروش نقدی اجتناب کردند. وقتی دولت نتوانست چارچوب قابل فهم برای معامله ارائه کند، همان سردرگمی صنفی به اعتراض اجتماعی و سپس سیاسی تبدیل شد. حتی در ترکیه، در موج تورمی سال‌های اخیر، هم اعتراض‌های اولیه از سوی تولیدکنندگان و فروشندگان بود. اما آنجا تفاوت در این بود که دولت با ارائه شاخص‌ها و سازوکارهای تعدیل، امکان بازگشت نسبی عقلانیت معاملاتی را فراهم کرد و اجازه نداد بحران صنفی به‌سرعت سیاسی شود. با این حال در ونزولنا، جایی که این ابزارها کاملاً غایب بودند، معامله عملاً فروپاشید، پول کارکرد خود را از دست داد و انتاع از فروش به رفتاری عمویم بدل شد. به باور این کارشناس در چنین شرایطی، هر تجمع اقتصادی ناگزیر سیاسی می‌شود، چون جامعه احساس می‌کند قواعد پایه زندگی از کار افتاده است.

به نظر می‌رسد دولت ایران نیز با درک اهمیت و بحرانی‌بودن این موضوع روز دوشنبه جلسه فوری تشکیل داده است. مدیر روابط‌عمومی بانک مرکزی اعلام کرده که تیم اقتصادی دولت به دستور مسعود پزشکیان درباره سیاست‌های ارزی و معیشتی «جلسه فوری» تشکیل داد. او گفته: «پیرو تأکید رئیس‌جمهور و در راستای جلسات اخیر هماهنگی تیم اقتصادی دولت درباره سیاست‌های ارزی، تجاری و معیشتی مردم هم‌اکنون اماه این جلسات در بانک مرکزی در حال برگزاری است و نتایج حاصل از این جلسات به‌زودی در دولت جمع‌بندی و اطلاع‌رسانی می‌شود».

یادداشت

مردمی که فقر خود را می‌شمارند

چراکه صاحبان اشراف‌افزاده به‌جای کارکردن و رسیدن به باغ و... شبیره آن را مکیده و فقط ناظر خرابی و ویرانی آن بوده و در خاطرات خوش گذشته به سر بوده‌اند: «...بله ما دست‌کم دویست سال از زمانه عقب هستیم، تا به حال به هیچ چیز دست پیدا نکرده‌ایم، هیچ طرز تلقی‌ای از گذشته نداریم، ما فقط فلسفه می‌یافیم، از خستگی می‌نالیم و...» (باغ آلبالو).

۳- زنگ آغاز مارا تن بودجه زده شد.
بودجه‌ای با حجم ۱۴ هزار و ۴۴۱ هزار میلیارد تومان که تقریباً دوسوم آن (حدود هشت هزار و ۸۹۷ هزار میلیارد تومان) همچون سال‌های گذشته سهم شرکت‌های دولتی و یک‌سوم باقی‌مانده بالغ بر پنج هزار و ۹۵۴ هزار میلیارد تومان مربوط به بودجه عمومی دولت است. از همان بودجه عمومی دولت هم نیمی صرف پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان دولت و مستمری بازنشستگان و مابقی هم صرف پرداخت اصل و سود اوراق بدهی و... می‌شود. یعنی سهم رشد و توسعه کشور و ترمیم خرابی‌ها و... تقریباً هیچ! چراکه آن بخش بزرگ‌تر بودجه یعنی بودجه شرکت‌های دولتی نیز چیزی جز هزینه-درآمد چندصند شرکت دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی نیست که در مجامع عمومی آنها بررسی و تراز می‌شود و سوغاتی جز آنسوه ناترازی‌ها (حیف و میل‌ها و رانت‌ها و...) ندارند و دیوان محاسبات همین اخیراً از زیان ۴۶۸ هزار میلیارد تومانی ۱۳۹ شرکت این مجموعه و زیان‌دهی‌بودن ۲۷۰ شرکت شبه‌دولتی خبر داده است (۱۴۰۴/۹/۲۴). جالب است که ۴۱ درصد بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی و... در سال آینده سهم همین شرکت‌های زیان‌ده خواهد بود (پنج هزار و ۲۵۶ هزار میلیارد تومان). همان شرکت‌ها و مؤسساتی که وزیر اقتصاد اخیراً در مجلس سازوکار تعیین هیئت‌مدیره آنها را چنین تصویر کرد: «وزرای اقتصاد و رفاه باید بیش از هفت هزار هیئت‌مدیره را در بزرگ‌ترین نگاهاه‌های کشور بشناسند. اگر این تعداد را به یک دوره مدیریت به‌طور مثال سه‌ساله تقسیم کنیم، نزدیک به سه هزار انتصاب در سال می‌شود و به عبارت‌ی روزهی شش نفر مدیر و می‌پرسد: «آیا می‌توان این‌گونه کشور را اداره کرد؟» (دنیای اقتصاد-۱۴۰۲/۹/۱۸).

۴- پاسخ سؤال فوق قطعاً خیر است. نه‌فقط بودجه، به عنوان مهم‌ترین سند مالی یک‌ساله دولت‌ها کارکردهای خود را در کشورمان از جمله در ارتقا، رشد و ثبات اقتصادی و کاهش فقر و عرضه کالاهای عمومی تا حد زیادی از دست داده و به رفتاری بوروکراتیک و بازی با ارقام و تقسیم سهم بین سازمان و مؤسسات تبدیل شده است و فقط بر روی کاغذ تراز می‌شود (طبق برآوردها حداقل کسری بودجه امسال ۸۰۰ هزار میلیارد تومان است- دنیای اقتصاد ۶/۱۳/۲۰۲۴) و آوار تورمی از خود به جای می‌گذارد (تورم ۵۲ درصدی ماه گذشته)، بلکه کلیت برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نیز (هم‌چنین آنها برنامه‌های توسعه که در خوش‌بینانه‌ترین حالت فقط یک‌سوم اهداف آنها تاکنون محقق شده است- رئیس مرکز پژوهش‌ها در مجلس شورای اسلامی و وزیر اقتصاد و توسعه در دولت) به‌سبب بی‌ثباتی و عدم اصلاحات ساختاری و هدر دادن منابع، حجم عظیمی از رانت و ثروت‌های بادآورده برای مسببان فقر و فلاکت مردم تولید می‌کند و با پن‌دیرش تداوم تحریم‌های بین‌المللی و «دارای عدم گشایش‌های داخلی و بسط آزادی‌ها و حقوق شهروندان، کشور را در وضعیت خطریری قرار داده است. نظام حکمرانی که اعداد و ارقام بودجه را ردیف می‌کنند اما مردم مانده‌زد در گوشه‌ای نشسته و فقر خود را می‌شمردند و البته از صاحبان قدرت غدرخواهی و بخشیدن تحویل می‌گیرند....» (من حساب می‌گویم ولی حسابگر نی‌ام. بسیاری می‌آموزند تا ثروت خود بشمرند، من فقرم را می‌شمرم» (طومار شیخ خزین - بهرام بیضایی).